که خاک فوج است زیرا که دو راب باب چهارم تمام شد از خاک چهار کوکوفتیم
خاک فوج نهم شد و دست بیاض است مطلوب خود را که قبض الخارج
است در بانوده م دیدکه بطبع است در مرکز موافق و ناظر فوج دست
راست است مطلوب خود را که نصرة الداخلست در مرکز جنباذ نوید وساقط
بود چون شواهد و نواظر دست چپ بقوة بود گفتم دست چپ حکم
بر اغلب کودیم سؤال از قدوم غایب که کی شود در محل نزدیم این نوع بود

چون حکم ببالا بودیم در پنجم

بقبض الداخل رسید و مطلق او
فوج بود در محل بنود بجایش بازهاقبض

الداخل بود گفتم غایب بیاید و نبوده م را که غایب است دیدیم قبض الخارج
شد بود مطلوبش عتبه الخارج بود در محل بنود الا از ضرب قبض الخارج
در دوم بیرا مشرکفتم غایب از مقام بیرون آمده است بهمانه و مقصد
است خاک اکلیس بود واو در محل بنود بجایش زوج جماعت بود
و مطلوب او زوج خاک لحیانه بود در پنجم خود دید در مرکز موافق گفتم
غایب قصد مقصد کرده است و بمقصود می رسد اما پوشیده سؤال
از رزق دوزی که چون بدست اید در محل دیدیم این نوع بود چون

نقطه حکم ببالا بودیم در سم بخاک عقلم
رسید و دهم عقل دوزی دوز است
از آن جا کدیم و بجناد و راتش نصرة

الخارج میشود زیرا که بخاک تمام شد برین مسلک

پس از اتش لحیان کوفتم کراتش

اول است دهم او نصرت الخارج میشود در محل بنود اما در باطن بود
در خانه اول و مطلوب خود را در باطن دید در خانه دهم چون مطلوب
خود را در مرکز موافق دید و ناظر خود نیز در مرکز بود گفتم رزق
و روزی فراوان و فراخ شود و برسد اما در بهت بجهت آنکه در باطن
دیده اکو در ظاهر میشود حکم بر حال میکردیم اما بسیار دیو نکشد
زیرا که در وتد دید سؤال از قدوم غایب که برسد بطریق بیرون محل این

چون نقطه حکم ببالا بودیم بعقلم
منتهی شد در سیوم و مطلوب خود
را قبض الداخلست در دوم خود دید

در خانه بادکه شانزده عقلم باشد و شانزده

دوم وی است و قدوم غایب را نزدوم کویم از پنجهت که قبض
الداخل مطلوب خود را که فوج است در دوم خود دید یعنی در اول
اما انکار داشته سه جا اما چون یکی در مرکز بنود اعتبار نکردیم زیرا
که تکوار او باشد از تکوار باید گفت اکو تکوار ضعیف باشد باشد یعنی
ساقط حکم از انجا کندکه در مرکز باشد درین رمل چون سه جا تکرار
آشته ان را که در غیر مرکز بود کذاشتیم و از آن دو تکوار چنان شکل
صاحب ضمیر دو کس غایب است و این دو کس را اعتبار دو تکوار گفتم

Copyright © King Saud University